

Research Paper

## The Effect of Emotion Regulation Training on Social Adjustment of Neglected Children

Sedigheh Rezaei Dehnavi<sup>\*1</sup>, Zahra Noorian<sup>2</sup>, Maryam Movahedi<sup>3</sup>

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

2. M.A. in Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. M.A. in Clinical Psychology, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran



**Citation:** Rezaei Dehnavi S, Noorian Z, Movahedi M. The effect of emotion regulation training on social adjustment of neglected children. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2020; 7(2): 206-215.

**doi** <http://dx.doi.org/10.29252/jcmh.7.2.18>

### ARTICLE INFO

### ABSTRACT

**Keywords:**

Emotional regulation,  
social adjustment,  
child labor

**Background and Purpose:** Neglecting the children is a risk factor for their emotional and social development that has a long-term effect on all dimensions of their lifespan development. Emotion regulation training can be one of the effective interventions to reduce the consequences of neglect. The aim of this study was to investigate the effectiveness of emotion regulation training on social adjustment of neglected children.

**Method:** This research was an experimental study with pretest-posttest control group design. The study population included all male and female working children covered by Welfare Department of Kashan city in 2018. A sample of 20 children aged 12 to 14 were selected by convenience sampling and then randomly assigned to either the experimental or control group. The experimental group received eight 90-min sessions of emotion regulation training, while the control group underwent no intervention. Strengths and Difficulties Questionnaire (Goodman, 1997) was used to gather the data. Data were analyzed by univariate analysis of covariance (ANCOVA).

**Results:** The results of ANCOVA showed that emotion regulation training had a significant effect on social adjustment of neglected children ( $P > 0.05$ ,  $F = 167.4$ )

**Conclusion:** Based on the results of this study, it can be concluded that emotion regulation training moderates the mental evaluations and reactions of the individual and thus it results in appropriate cognitive, motivational, and behavioral reactions.

**Received:** 1 Jul 2018

**Accepted:** 31 Mar 2019

**Available:** 21 Sep 2020

\* **Corresponding author:** Sedigheh Rezaei Dehnavi, Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

E-mail addresses: Srezaeidehnavi@pnu.ac.ir

## مقاله پژوهشی

## تأثیر آموزش نظم‌جویی هیجان بر سازش‌یافتگی اجتماعی در کودکان بدسرپرست

صدیقه رضایی دهنوی<sup>۱\*</sup>، زهرا نوریان<sup>۲</sup>، مریم موحدی<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

## مشخصات مقاله

## چکیده

## کلیدواژه‌ها:

نظم‌جویی هیجان، سازش‌یافتگی اجتماعی، کودکان کار بدسرپرست

**زمینه و هدف:** غفلت از کودکان یکی از عوامل خطر برای تحول‌یافتگی مناسب هیجانی و اجتماعی است که تأثیر بلند مدت در تمام ابعاد تحولی در گستره عمر دارد. یکی از مداخله‌های تأثیرگذار برای کاهش پیامدهای غفلت، می‌تواند آموزش تنظیم هیجان باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش نظم‌جویی هیجان بر سازش‌یافتگی اجتماعی کودکان کار بدسرپرست بود.

**روش:** روش پژوهش آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری شامل تمامی کودکان کار پسر و دختر تحت نظارت اداره بهزیستی شهرکاشان در سال ۱۳۹۷ بودند که از بین آنها نمونه‌ای شامل ۲۰ نفر در دامنه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال به شیوه در دسترس انتخاب، و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جایدهی شدند. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، پروتکل آموزش تنظیم هیجان را طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای دریافت کردند و افراد گروه گواه هیچ نوع مداخله‌ای را دریافت نکردند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه توانایی و مشکلات گودمن (۱۹۹۷)، و برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش نظم‌جویی هیجان، تأثیر معناداری بر سازش‌یافتگی اجتماعی کودکان کار بدسرپرست داشت ( $P > 0.05$ ,  $F = 167/4$ ).

**نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش مبنی بر تأثیر آموزش نظم‌جویی هیجان بر افزایش سازش‌یافتگی اجتماعی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تنظیم هیجان مطلوب با تعدیل ارزشیابی‌ها و واکنش‌های ذهنی فرد، به بروز واکنش‌های مناسب در ابعاد شناختی، انگیزشی، و رفتاری منجر می‌شود.

دریافت شده: ۹۷/۰۴/۱۰

پذیرفته شده: ۹۸/۰۱/۱۱

منتشر شده: ۹۹/۰۶/۳۱

\* نویسنده مسئول: صدیقه رضایی دهنوی، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

رایانامه: Srezaeidehnavi@pnu.ac.ir

تلفن: ۰۲۱- ۸۴۲۳۴

## مقدمه

غفلت<sup>۱</sup> از کودکان پدیده‌ای پیچیده، گسترده و شکل‌زیان‌آوری از بدرفتاری<sup>۲</sup> است. سازمان سلامت جهانی چهار نوع بدرفتاری با کودک را طبقه‌بندی کرده است: آزار جسمانی<sup>۳</sup>، آزار جنسی<sup>۴</sup>، آزار روانی<sup>۵</sup>، و غفلت (۱). غفلت و بی‌توجهی به عنوان شکلی از کودک‌آزاری با مباحثی مانند فرهنگ، سن کودک، وقوع آسیب یا وجود خطر آسیب، قصد و نیت والد، میزان شدت و استمرار غفلت گره خورده و موجب ایجاد کشاکش‌ها و اختلاف نظرهای مختلفی در ارتباط با تعریف از این سازه شده است (۲). استراوس و کانتور معتقد هستند که رفتار غفلت‌آمیز، رفتاری است که توسط والد یا مراقب انجام می‌شود و به منزله کام‌نیافتگی در رفتارهایی است که توسط فرهنگ آن جامعه برای پاسخ‌گویی به نیازهای مرتبط با تحول کودک و انجام وظایف مراقبت از کودک، ضروری است (۳). بدین ترتیب غفلت و بی‌توجهی به تأمین نیازهای کودک برای زیستن ضربه می‌زند و بیانگر عدم رابطه مناسب والد و فرزند است که تجربه این پدیده برای کودکان، تبعات فردی و اجتماعی گوناگونی همچون تأخیر در تحول و آسیب‌های اجتماعی-عاطفی را تحمیل می‌کند. بر این اساس تجربیات اولیه در رابطه والد-فرزند، پایه و اساس تحول کودک را تشکیل می‌دهند و برجسته‌ترین تأثیرات را بر حالات رفتاری، تمایلات عصبی، عملکرد و کارکرد اجتماعی گذاشته و سازش‌یافتگی اجتماعی کودک را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. بنابراین یکی از تبعات مرتبط با مبحث غفلت و بی‌توجهی کودکان، سازش‌یافتگی اجتماعی<sup>۶</sup> است.

سازش‌یافتگی اجتماعی فرایندی در حال تحول و پویا است و به عنوان مهم‌ترین شاخص و نشانه اجتماعی شدن از مباحثی است که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. سازش‌یافتگی اجتماعی ریشه در توازن و تعامل بین تدارک ابزارهای اجتماعی و واقعیت‌بخشی به توانایی‌های بالقوه افراد در راستای تحقق پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی دارد. انجمن روان‌شناسی آمریکا، سازش‌یافتگی اجتماعی را به عنوان هماهنگ کردن

رفتار به منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی تعریف می‌کند که غالباً مستلزم اصلاح تکانه‌ها، هیجان‌ها یا نگرش‌ها است (۴). هیجان‌ها در روی آورد کارکرد اجتماعی<sup>۷</sup> به عنوان پاسخ‌های چندراهه‌ای هستند که افراد را قادر می‌سازند به مسایل اجتماعی به شیوه سازش‌یافته‌تری پاسخ دهند و از فرصت‌های اجتماعی در قالب تعاملات اجتماعی، بهره بگیرند. چهار فرض اساسی این نظریه شامل این موارد است: نخست، انسان‌ها ذاتاً اجتماعی هستند و بسیاری از نیازهای حیاتی خود را در قالب روابط اجتماعی تأمین می‌کنند. دوم، فرض می‌شود که هیجان‌ها، راه‌هایی برای حل بعضی مسایل خاص برای تشکیل و حفظ روابط اجتماعی است. هیجان‌های خاص منفی و مثبت، افراد را برانگیخته می‌کنند تا رفتارهای تعاملی بروز دهند و بتوانند پیوندهای اجتماعی را تشکیل دهند و در برابر تهدیدهای فوری نسبت به فرد و روابط، پیوندهای اجتماعی را حفظ، تقویت، و بازایی کنند. سوم، فرض می‌شود هیجان‌ها فرایندهای پویا و درهم‌تنیده‌ای هستند که افراد را به سمتی هدایت می‌کنند که نمایا نشان به موقعیت‌های بهتر پیش برود؛ بنابراین هیجان‌ها نه تنها پاسخ‌های فیزیولوژیک، رفتاری، تجربی و شناختی را سازمان‌دهی می‌کنند، که اعمال افراد برای تعاملات چهره به چهره را نیز سازمان‌دهی می‌کنند. فرض چهارم این است که تجربه و بیان هیجان‌ها، منافع و پیامدهای اجتماعی مثبتی برای افراد به دنبال دارد. برای مثال خجالت کشیدن باعث برانگیختگی بخشش در دیگران، و ناراحتی و غم باعث حس همدلی و کمک از سوی دیگران می‌شود (۵).

غفلت از کودکان با تهدید تحول و بقا، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به شأن و جایگاه کودک وارد می‌کند و بر این اساس در اجتماع، قابلیت تطابق اجتماعی و حیات گروهی کودک را منقطع، و تعادل روانی و تنظیم هیجان<sup>۸</sup> او را مختل می‌کند که این مسئله تأثیرات بالقوه مضری را بر شبکه گسترده‌ای از پیامدهای تحولی بر جای می‌گذارد (۶). بر این اساس تنظیم هیجان‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهار کردن رفتار، تعاملات اجتماعی را یکپارچه می‌سازد که توجه به آن، ضرورت تنظیم هیجان را در کودکان مورد غفلت، خاطر نشان می‌سازد.

1. Neglect
2. Maltreatment
3. Physical
4. Sexual

5. Psychological
6. Social adjustment
7. Social- functional emotion
8. Emotional regulation

بر این اساس با توجه به آنکه بعد اجتماعی غفلت، آسیب‌ها و تبعات بسیار جدی بر سازش‌یافتگی اجتماعی و تطابق با محیط بر جای می‌گذارد و از آنجا که تنظیم هیجان در مسیر اصلاح تکانه‌ها، مهار و ارزیابی واکنش‌های هیجانی، و تسهیل تحقق نیازها و اهداف اجتماعی، نقش مهمی را ایفا می‌کند و سازش‌یافتگی با حیات جمعی از مهم‌ترین اصول در بررسی رفتار اجتماعی انسان است؛ در این مطالعه به بررسی اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر سازش‌یافتگی اجتماعی کودکان مورد غفلت پرداخته شده است.

## روش

**(الف) طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان:** پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع مطالعات کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های آزمایشی است. در این مطالعه از طرح نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و گروه گواه استفاده شد. جامعه پژوهش شامل تمامی کودکان کار در دامنه سنی ۱۲ تا ۱۶ سال بوده است که در سال ۱۳۹۷ در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی شهر کاشان، عضو بودند. در این پژوهش نمونه مورد مطالعه به صورت تصادفی انتخاب شدند. به این صورت که از بین کودکان کار مشغول به تحصیل تعداد ۲۰ نفر به صورت تصادفی و قرعه انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش (۱۰ نفر) و گروه گواه (۱۰ نفر) جایدهی شدند. تشخیص وضعیت افراد نمونه از نظر مورد غفلت واقع شدن بر اساس نظر روان‌شناس مرکز و همچنین مصاحبه ساختاریافته با والدین و مراقبان کودک، انجام شد. همه این کودکان از سطح اجتماعی - اقتصادی پایین و دارای حداقل یک والد بد سرپرست بودند. اعضای گروه آزمایش، ۴۰ درصد پسر و ۶۰ درصد دختر؛ و اعضای گروه گواه، ۶۰ درصد پسر و ۴۰ درصد دختر بودند. وضعیت اقتصادی - اجتماعی در هر دو گروه آزمایش و گواه در حد پایین‌تر از متوسط بودند. ملاک‌های ورود شامل دامنه سنی ۱۲ تا ۱۶ سال، تمایل و رغبت برای شرکت در پژوهش (از طریق مصاحبه)، رضایت والدین و عدم وجود مشکلات جسمانی، روانی و هوشی معنادار بود. لازم به ذکر است که ۶۰ درصد افراد گروه آزمایش و ۸۰ درصد از افراد گروه گواه، ترک تحصیل کرده بودند. هر دو گروه در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

رفتار غفلت‌گرایانه منجر به رفتارهای غیرقابل مهار و مسبب مشکلات و کاستی‌های عمیقی در حوزه تنظیم هیجانات می‌شود. به عقیده بارت و همکاران، تنظیم هیجان به توانایی فهم هیجانات، تعدیل تجربه، و ابراز هیجانات اشاره دارد (۶). بررسی متون و مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهد که تنظیم هیجان عامل مهمی در تعیین سلامتی و داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود (۷). مشکل در الگوی واکنش‌های هیجانی یا تنظیم هیجان، دلیل بسیاری از مشکلات روانی و زمینه‌ساز اختلالات درون‌نمود و برون‌نمود است (۷). در این راستا از دیدگاه روان‌شناسی مرضی در راهنمای آماری تشخیص انجمن روان‌پزشکی آمریکا<sup>۱</sup>، هیجانات ناکارآمد با بیش از نیمی از اختلالات محور یک و تمام اختلالات محور دو، در ارتباط است (۸). بر این اساس شکست در الگوهای تنظیم هیجان می‌تواند زمینه ایجاد یک اختلال را در کودک ایجاد کند و یا داشتن روابط بین‌فردی مطلوب را در موقعیت خطر قرار داده و باعث تحول رفتارهای غیرقابل مهار شود. در این راستا انجام موفقیت‌آمیز تکالیف تحولی در دوره کودکی، منوط به توانایی تعدیل تنظیم هیجانات و نشانه سلامت جسمانی و روانی است که این موضوع بیش از پیش، اهمیت تنظیم هیجان را در اختلالات سازش‌نیافته ارتباطی و رویدادهای تنش‌آور مورد توجه قرار می‌دهد.

در این رابطه سیاریو و همکاران تأکید کردند نادیده‌انگاری دوران کودکی، مشکلات فراوانی در حوزه‌های شناختی، مهارت‌های بین‌فردی، و تنظیم هیجانات در کودکی ایجاد می‌کند که تبعات آن در دوران بزرگسالی ادامه دارد (۹). مارک و هانفی دریافتند نادیده گرفتن کودک به ویژه در اولین سال‌های زندگی، عواقب مرگبار در بر دارد و به طور گسترده و جدی سلامت جسمی - روانی کودک و تحول مغز او را از طریق ایجاد مشکلات در تنظیم هیجان، دچار مشکل می‌کند (۱۰). ناتون و همکاران در مطالعه خود دریافتند که غفلت و بی‌توجهی اثرات مخربی بر سلامت روانی و روابط اجتماعی داشته که به دنبال مشکل اساسی در ابراز و تنظیم هیجان‌ها به وجود می‌آید (۱۲). این یافته‌ها در پژوهش‌های متعدد دیگری نیز مورد تأیید قرار گرفته است (۱۳ - ۳۰).

1. Diagnostic and statistical manual of mental disorders-fifth edition - DSM-5

مورد ارزیابی قرار گرفتند و جلسه مداخله فقط بر روی گروه آزمایش انجام شد.

### (ب) ابزار

۱. پرسشنامه توانایی و مشکلات<sup>۱</sup>: این پرسشنامه توسط گودمن (۱۹۹۷) طراحی شد که یک ابزار غربالگری کوتاه با ۲۵ گویه است و دامنه سنی ۳ تا ۱۶ سال را در بر می‌گیرد و به طور فزاینده‌ای در تعیین مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان و نوجوانان به کار می‌رود. این ابزار در کشور انگلستان ساخته شده است و پنج زیرگروه اصلی از طیف علائم روان‌پزشکی را ارزیابی می‌کند: مشکلات رفتار هنجاری<sup>۲</sup>، بیش‌فعالی، علائم هیجانی، مشکلات با همسالان، و رفتار مطلوب اجتماعی. مجموع چهار مورد اول "نمره کلی مشکلات" را به دست می‌دهد (به نقل از ۲۴). ۱۰ پرسش به ارزیابی مشکلات و ۱۵ پرسش به ارزیابی نوع‌دوستی، اختصاص دارد. پنج پرسش به صورت معکوس و هر پرسش، در دامنه سه درجه‌ای مقیاس لیکرت به صورت صفر (درست نیست)، یک (گاهی درست است)، و دو (حتماً درست است) نمره‌گذاری می‌شود. هر زیرمقیاس در بردارنده پنج پرسش بوده و دامنه نظری نمره توانایی‌ها از صفر تا ۱۰ و نمره کلی مشکلات از صفر تا ۴۰ است. کسب نمره بیشتر از ۱۶ در طیف غیرطبیعی قرار می‌گیرد و نشان از وجود یک اختلال است

(۲۵ و ۲۶). این پرسشنامه دارای نسخه‌های مخصوص والد ۱۶-۳ سال، مخصوص آموزگار ۱۶-۳ سال (۲۴) و نسخه خود گزارشگر ۱۶-۱۱ سال است (۲۷). لازم به ذکر است که در این پژوهش از نسخه خودگزارشی برای سنجش سازش‌یافتگی اجتماعی استفاده شد. روایی این پرسشنامه در ایران توسط تهرانی دوست و همکاران مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد که حساسیت و ویژگی نظر والدین در مورد نمره کلی مشکلات و توانایی‌های کودکان، ۰/۷۴ و والدین ۰/۹۵ است (۲۶). همچنین در پژوهش گل‌کاری و همکاران نیز ضریب آلفای کرونباخ با اجرای این پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از دختران نوجوان محروم از پدر، برای مقیاس‌های مشکلات هیجانی (افسردگی و اضطراب) و مشکلات رفتاری (مقیاس‌های مشکلات رفتار هنجاری، بیش‌فعالی، و مشکل با همسالان) به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۷۷ و آلفای کرونباخ نوع‌دوستی ۰/۶۸ به دست آمده است (۲۸).

(ج) برنامه مداخله‌ای: برنامه تنظیم هیجان در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای یک جلسه، و به مدت ۳ ماه بر اساس درمان شناختی رفتاری تنظیم هیجان گروس (۳۰) تنظیم شده و توسط درمانگر آموزش‌دیده در مدرسه شبانه‌روزی کودکان کار کاشان به صورت گروهی اجرا شد. خلاصه برنامه مداخله‌ای در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: چارچوب کلی برنامه آموزش تنظیم هیجان

جلسه	عنوان جلسات	اهداف و محتوای جلسات
۱	برقراری ارتباط	اجرای پیش‌آزمون، برقراری ارتباط و مفهوم‌سازی، بیان منطق و مراحل مداخله و بیان چارچوب و قواعد شرکت در گروه
۲	آموزش و خودتنظیمی هیجان مثبت	آموزش آگاهی از هیجان‌های مثبت، علاقمندی و توجه به هیجان‌های مثبت و لزوم استفاده از هیجانات
۳	شناخت و تنظیم هیجانات منفی	عوامل تأثیرگذار در تنظیم هیجان و مهار اضطراب، آموزش آگاهی از هیجان‌های منفی
۴	تنظیم درونی و بیرونی	آموزش بیان هیجان‌های منفی و شیوه‌های ابراز درست هیجان‌های منفی
۵	خودثبتي و خودنظارتی	تشخیص افکار منفی و خلق افکار مقابل، ابزار خودنظارتی، خودثبتي و راهکارها
۶	آگاهی و تنظیم هیجانات با دیگران	آموزش آگاهی از هیجان‌های منفی دیگران و شیوه برخورد مناسب با هیجان‌های منفی دیگران
۷	سبک‌های مقابله	آموزش اهمیت سبک‌های کنار آمدن با فشار روانی در استفاده از شیوه‌های مرثر بر مهار هیجان‌های منفی
۸	جمع‌بندی	جمع‌بندی جلسات آموزشی و اجرای پس‌آزمون

(د) روش اجرا: پس از هماهنگی و کسب مجوزهای لازم از سازمان بهزیستی برای اجرای برنامه مداخله‌ای، افراد نمونه به شرحی که در بخش روش ارائه شد انتخاب شده و در دو گروه آزمایش و گواه، جایدهی

شدند. کودکان گروه آزمایش ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای هر هفته یک جلسه در برنامه روان‌درمانگری شرکت کردند. پس از اجرای آموزش تنظیم هیجان برای گروه آزمایش، افراد هر دو گروه مجدداً در مرحله

1. Strengths and difficulties questionnaire

2. Conduct disorder

گروه گواه نیز اجرا شد. در پایان داده‌ها با استفاده از نسخه ۲۱ نرم افزار SPSS و با آزمون تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### یافته‌ها

در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد دو گروه مورد مطالعه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون و همچنین نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنف ارائه شده است.

پس‌آزمون مورد ارزیابی قرار گرفتند. لازم به ذکر است در طی آموزش تنظیم هیجان برای گروه آزمایش، هیچ‌گونه مداخله‌ای بر روی گروه گواه انجام نشد. ملاحظات اخلاقی در این پژوهش مانند رعایت اصل رازداری و محرمانه بودن تمامی اطلاعات و صحبت‌ها در جلسات روان‌درمانگری و تأکید بر رضایت کامل افراد نمونه، کاملاً رعایت شد. در این رابطه رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش توسط والدین و مراقبان کودکان قبل از اجرای پژوهش اخذ شد. همچنین پس از اتمام پژوهش، چند جلسه کوتاه مدت برنامه آموزش تنظیم هیجان برای افراد

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی نمرات پیش‌آزمون - پس‌آزمون و نتایج آزمون کالموگروف اسمیرنف در دو گروه آزمایش و گواه (تعداد: ۲۰ نفر)

آزمون	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	پایین‌ترین	بالا‌ترین	K-S-Z	P
گواه	پیش‌آزمون	۱۹/۹۰	۳/۶۳	۱۵	۱۷	۰/۱۲	۰/۱۸
	پس‌آزمون	۱۶/۶۰	۱/۵۰	۱۳	۱۸	۰/۱۶	۰/۰۸
آزمایش	پیش‌آزمون	۳۳/۷۰	۱/۴۲	۱۶	۲۰	۰/۳	۰/۱۲
	پس‌آزمون	۱۷/۶۰	۳/۳۶	۲۷	۳۹	۰/۱۳	۰/۱

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون، کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کالموگروف اسمیرنف استفاده شده است که با توجه به سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵، حاکی از توزیع نرمال متغیرها است. به منظور انجام تحلیل کوواریانس ابتدا پیش‌فرض‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب نتایج آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس متغیرهای وابسته در گروه‌ها نشان داد که واریانس متغیر سازش‌یافتگی اجتماعی در گروه‌ها برابر است ( $P > ۰/۰۵$ ). همچنین

نتایج بررسی شیب رگرسیون نشان داد که بین متغیرها، روابط خطی وجود دارد و همگنی شیب برقرار است. بدین ترتیب با توجه به اینکه واریانس خطا برای متغیر مستقل یکسان بوده و همچنین خطاها، توزیع نرمال دارند، بنابراین استفاده از آزمون کوواریانس مقدور است ( $F=۱۱/۲۰$  و  $P=۰/۰۰۱$ ). بر این اساس نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای بررسی تفاوت گروه آزمایش و گواه در پیش‌آزمون با پس‌آزمون متغیر سازش‌یافتگی اجتماعی در جدول ۳ گزارش شد.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای بررسی تفاوت گروه آزمایش و گواه در سازش‌یافتگی اجتماعی

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	ضرایب اتا	توان آزمون
پیش‌آزمون سازش‌یافتگی اجتماعی (اثر همپراش)	۱/۵۵	۱	۱/۵۵	۰/۲۱	۰/۶۴	۰/۰۱	۰/۰۷
گروه	۱۱۹۱/۰۷	۱	۱۱۹۱/۰۷	۱۶۷/۴۱	۰/۰۰۷	۰/۹۰	۰/۸۳
خطا	۱۰۷/۹۴	۱۷					
مجموع	۱۴۲۳۵	۲۰					

معناداری وجود دارد. اندازه اثر ۰/۸۳ نیز نشان می‌دهد که این تفاوت در جامعه بزرگ است و دقت آماری نسبتاً بالا است. با توجه به این نتایج، آموزش تنظیم

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۳، آماره  $F$  سازش‌یافتگی اجتماعی در پس‌آزمون ۱۶۷/۴۱ به دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنادار است و نشان دهنده این است که بین دو گروه از نظر میزان سازش‌یافتگی اجتماعی، تفاوت



هیجان باعث کاهش معنادار میانگین نمرات سازش‌یافتگی اجتماعی در گروه آزمایش شده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر سازش‌یافتگی اجتماعی کودکان مورد غفلت بود. نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش تنظیم هیجان بر سازش‌یافتگی اجتماعی کودکان مورد غفلت، اثرگذار است. این یافته با نتایج مطالعات دامیتروویچ و همکاران (۱۸) مبنی بر تأثیر مدیریت هیجان‌ها بر روی کارآمدی اجتماعی کودکان؛ دی ماگیو و همکاران (۱۹) مبنی بر موازی بودن تحول نظم‌جویی هیجان با تحول اجتماعی؛ هیکر و همکاران (۱۴) مبنی بر رابطه بین نظم‌جویی هیجانی و سازش‌یافتگی اجتماعی در کودکان مورد غفلت؛ مارک و هانفی (۱۰) و ناتون و همکاران (۱۲) مبنی بر تأثیر مشکلات در تنظیم هیجان بر سازش‌یافتگی اجتماعی، همسو است.

در تبیین اثربخشی تنظیم هیجان بر سازش‌یافتگی اجتماعی می‌توان این گونه بیان کرد که پیامد تجربه پدیده غفلت توسط کودک، وقوع رخداد‌های گوشه‌گیری و انزوا با الگویی از شکست و کام‌نیافتگی در طی زمان است که این مسئله تأثیر مستقیمی بر کارکردهای اجتماعی و ظهور و بروز آسیب‌ها و معضلات اجتماعی دارد. بر این اساس ضعف هویت انسانی، فقدان خودپنداشت مثبت، احساس کهنتری، و باورها و تعبیرهای نادرست، محصول شرایط محیطی و جریان‌ها و مفاهیم شناختی است که عکس‌العمل‌های نامعقول اجتماعی را در پی دارد. بر اساس دیدگاه کارکرد اجتماعی در هیجان (۵)، آموزش شناسایی و تنظیم هیجان‌ها افراد را قادر می‌سازد به مسایل اجتماعی به شیوه سازش‌یافته پاسخ بدهند و از فرصت‌های اجتماعی استفاده کنند. این نکته در برنامه مداخله‌ای این مطالعه به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در این مطالعه راه‌هایی برای حل بعضی مسایل خاص برای تشکیل و حفظ روابط اجتماعی به افراد گروه آزمایش آموزش داده شد تا بتوانند تنظیم هیجان‌های خاص منفی و مثبت را مدیریت کنند و رفتارهای تعاملی مثبت بروز دهند و در نتیجه روابط اجتماعی در آنها تقویت شده است. نتیجه اینکه چون در آموزش تنظیم هیجان نه تنها پاسخ‌های فیزیولوژیک، رفتاری، تجربی، و شناختی سازمان‌دهی می‌شود و اعمال افراد برای

تعاملات چهره به چهره مورد توجه قرار می‌گیرد، بنابراین برنامه مداخله‌ای به کار گرفته شده در این مطالعه توانسته است تأثیرات مثبتی در ارتقای سازش‌یافتگی اجتماعی کودکان بدسرپرست به جای گذارد.

باید توجه داشت که تنظیم هیجان مطلوب با تعدیل ارزشیابی‌ها و واکنش‌های ذهنی فرد، به واکنش‌های مناسب در ابعاد شناختی، انگیزشی و رفتاری منجر می‌شود (۲۹). توصیف مجدد موقعیت بر نحوه ادراک از دیگران، نحوه تفسیر رفتار آنان و در نتیجه احساسی که فرد نسبت به دیگران دارد و نحوه واکنش، خودمهارگری اجتماعی، تعدیل قضاوت، و ادراک از دیگران، اثرگذار است. دانش هیجانی با ارتقاء درک و بینش کلی نسبت به الگوهای سازش‌نیافته و مخرب هیجانات، موجب انعطاف‌پذیری و مدیریت هیجانی در کودکان مورد غفلت می‌شود و این آگاهی، تسهیل‌گر تعامل اجتماعی دوسویه و سازش‌یافته است. در این رابطه مطالعه دی ماگیو و همکاران نشان داد که دانش هیجانی در تنظیم احساسات و در نتیجه بهبود شایستگی اجتماعی، نقش مهمی را ایفا می‌کند (۱۹). بر این اساس محتمل به نظر می‌رسد که تنظیم و تعدیل هیجانی با شکل دادن مجدد و یکپارچه ساختن مکانیزم‌ها و چهارچوب‌های اجتماعی و ارزشی به عنوان یک تعدیل‌کننده اجتماعی، باعث انطباق و سازش‌یافتگی افراد در این مطالعه شده است.

به عنوان جمع‌بندی باید تأکید کرد که تجربه غفلت و بی‌اعتنایی به احتیاجات اساسی کودک، منجر به اختلالات رفتاری شده و یکپارچگی شخصیت فرد را مختل و تطابق او را دچار مشکل می‌کند (۳۰). کودک مورد غفلت، هیجان‌های منفی و مثبت زیادی را در طول روز تجربه می‌کند که ممکن است به آن آگاهی نداشته باشد و توانایی تنظیم آن را نیز نیاموخته باشد، و وقتی به هیجان‌های خودش آگاهی و مدیریت نداشته باشد، نمی‌تواند هیجان‌های دیگران را نیز درک کند و رفتار اجتماعی مناسب با هیجان‌های آنها نشان دهد. وقتی کودک در چهارچوب برنامه آموزشی تنظیم هیجان، آگاهی از هیجان‌های خود و دیگران و نحوه مدیریت آنها را یاد بگیرد به یک زندگی آگاهانه و سازش‌یافته دست می‌یابد و می‌تواند در چهارچوب منطقی به نیازهای درونی و درخواست‌های بیرونی پاسخ دهد.

به نظر می‌رسد آموزش تنظیم هیجان یکی از برنامه‌های کاربردی مؤثر برای کودکان مورد غفلت باشد و بر این اساس پیشنهاد می‌شود

به عمل آمده از کودک و همراه با آموزش والدین می‌تواند مورد توجه پژوهشگران در مطالعات بعدی باشد.

**تشکر و قدردانی:** این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز نطنز با کد ۳۹۶۳۸ در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ است. مجوز اجرایی این پژوهش بر روی گروه مورد مطالعه توسط سازمان بهزیستی شهرستان کاشان با شماره مجوز ۶/۴۹/۰۳/۱۰۵۲ در ۹۵/۷/۴ صادر شد. بدین ترتیب از تمامی افراد نمونه، والدین کودکان، و مربیان اداره بهزیستی که در اجرای این مطالعه به ما کمک کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

**تضاد منافع:** این پژوهش هیچ گونه تضاد منافع برای نویسندگان به دنبال نداشته است.

مربیان و مشاوران شاغل در مراکز مربوط به این کودکان به منظور تحول جنبه‌های مختلف توانمندی کودکان بدسرپرست به خصوص در محیط‌های اجتماعی، از آموزش راهبردهای تنظیم هیجانی برای بالاتر بردن سطح سازش‌یافتگی اجتماعی آنها استفاده کنند. در مطالعه حاضر فقط از کودکان کار که در مراکز بهزیستی دارای پرونده بودند، نمونه مورد نظر انتخاب شد و دامنه سنی خاصی مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین با توجه به عدم دسترسی طولانی مدت به افراد نمونه، تأثیر مداخله در بلندمدت، پیگیری نشده است؛ بنابراین مطالعات آتی می‌تواند با رفع این محدودیت‌ها به تعمیم‌دهی و دقت نتایج به دست آمده در این پژوهش بیفزایند. همچنین آموزش تنظیم هیجان بر حسب نوع بدرفتاری



## References

- World Health Organization. Child maltreatment: Key facts. [cited 2010]. Available from: URL [\[Link\]](#)
- Dubowitz H, Poole G. Child neglect: An overview. In: Tremblay RE, Boivin M, Peters R, editors. Encyclopedia on Early Childhood Development [online] Montreal, Quebec: Centre of Excellence for Early Childhood Development and Strategic Knowledge Cluster on Early Child Development. 2012 [\[Link\]](#)
- Straus MA, Kantor GK. Definition and measurement of neglectful behavior: some principles and guidelines. Child Abuse Negl. 2005;29(1): 19-29. [\[Link\]](#)
- yarmohammadian A, Sharafi rad H. Analysis of relationship between emotional intelligence and social adjustment in teenager male students. Journal Management System. 2011; 22(4): 35-50. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Keltner D, Haidt J. Social functions of emotions at four levels of analysis. Cognition & Emotion. 1999;13(5):505-21. [\[Link\]](#)
- Berzenski SR, Bennett DS, Marini VA, Sullivan MW, Lewis M. The role of parental distress in moderating the influence of child neglect on maladjustment. J Child Fam Stud. 2014; 23(8): 1325-36. [\[Link\]](#)
- Thompson RA. Emotion regulation: A theme in search of definition. Monogr Soc Res Child Dev. 1994; 59(2-3): 25-52. [\[Link\]](#)
- Beauchaine TP, Gatzke-Kopp L, HK. M. Polyvagal Theory and developmental psychopathology: Emotion dysregulation and conduct problems from preschool to adolescence. Biol Psychol. 2007;174-84. [\[Link\]](#)
- Sciarrino NA, Hernandez TE, Davidtz J. The Sequelae of Neglect. Understanding Child Neglect: Springer; 2018. pp: 25-33. [\[Link\]](#)
- Marc B, Hanafy I. Children: Neglect. Encyclopedia of Forensic and Legal Medicine . Second Edition. Oxford: Elsevier; 2016. pp: 482-90. [\[Link\]](#)
- Müller LE, Bertsch K, Bülau K, Herpertz SC, Buchheim A. Emotional neglect in childhood shapes social dysfunctioning in adults by influencing the oxytocin and the attachment system: Results from a population-based study. Int J Psychophysiol. 2018; 73-80. [\[Link\]](#)
- Naughton A, Cowley L, Tempest V, Maguire S, Mann M, Kemp A. Ask Me! self-reported features of adolescents experiencing neglect or emotional maltreatment: a rapid systematic review. Child: care, health and development. 2017; 43(3), 348-360. [\[Link\]](#)
- Doretto V, Scivoletto S. Effects of Early Neglect Experience on Recognition and Processing of Facial Expressions: A Systematic Review. Brain Sci. 2018; 8(1): 10. [\[Link\]](#)
- Hecker T, Boettcher VS, Landolt MA, Hermenau K. Child neglect and its relation to emotional and behavioral problems: A cross-sectional study of primary school-aged children in Tanzania. Dev Psychopathol. 2018, 31(1):325-339. [\[Link\]](#)
- Benedan L, Powell MB, Zajac R, Lum JA, Snow P. Suggestibility in neglected children: the influence of intelligence, language, and social skills. Child Abuse Negl. 2018; 79: 51-60. [\[Link\]](#)
- Campbell C, Roberts Y, Synder F, Papp J, Strambler M, Crusto C. The assessment of early trauma exposure on social-emotional health of young children. Child Youth Serv Rev. 2016; 71: 308-14. [\[Link\]](#)
- Robinson DL. Neglect and Emotional Abuse. Pediatric Forensic Evidence: Springer; 2017. pp:145-59. [\[Link\]](#)
- Domitrovich CE, Durlak JA, Staley KC, Weissberg RP. Social emotional competence: An essential factor for promoting positive adjustment and reducing risk in school children. Child development. 2017; 88(2): 408-16. [\[Link\]](#)
- Di Maggio R, Zappulla C, Pace U, Izard CE. Adopting the Emotions Course in the Italian Context: A Pilot Study to Test Effects on Social-Emotional Competence in Preschool Children. Child Indic Res. 2017; 10(2): 571-90. [\[Link\]](#)
- Zahedian S, Kafi Masule SM, Khosrov Javid M, Fallahi M. Efficacy of Emotion Regulation Training on Coping Strategies among Female Elementary School Students. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2015; 2(1): 9-19. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Rezaei A, Kazemi MS. The Effect of Emotional Regulation Training on Social Cognition and Executive Functions of Children with Autism Spectrum Disorder. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2017; 4(2): 82-91. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Delalatgar Langroude K, Hosseinkhanzadeh AA, Taher M, Mojarrad A. The Role of Emotionality and Self-control Ability in Explaining Risk Behaviors in Students. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2018;5(1):25-35 [Persian]. [\[Link\]](#)
- Alipour F, Hasani J, Bodaghi E, Mohtashmirad F, Saeidpour S. Cognitive Emotion Regulation Strategies, Metacognition, and Early Maladaptive

- Schemas in Students with Stuttering and Normal Students. *Quarterly Journal of Child Mental Health*. 2016; 3(2): 41-54. [Persian]. [\[Link\]](#)
24. Goodman R. The Strengths and Difficulties Questionnaire: a research note. *J Child Psychol Psychiatry*. 1997; 38(5): 581-6. [\[Link\]](#)
  25. Aguilar-Vafaie M, Gharehbaghy F. Psychometric properties of Persian parent and teacher versions of the Strengths and Difficulties Questionnaire in a sample of Iranian children. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2009; 15(3): 231-41. [Persian]. [\[Link\]](#)
  26. Tehranidoust M, Shahrivar Z, Pak Baz B, Rezaei A, Ahmadi F. Validity of farsi version of strengths and difficulties questionnaire (SDQ). *Advances in cognitive science*. 2007; 8(4): 33-39. [Persian]. [\[Link\]](#)
  27. Goodman R, Meltzer H, Bailey V. The Strengths and Difficulties Questionnaire: A pilot study on the validity of the self-report version. *Eur Child Adolesc Psychiatry*. 1998; 7(3): 125-30. [\[Link\]](#)
  28. Golkari T, Kalantari M, Abedi A. The Effect of Cognitive-Behavioral Intervention on Emotional-Behavioral Problems in Bereaved Adolescent Girls. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 2014; 15(3): 16-24. [Persian]. [\[Link\]](#)
  29. Gresham D, Gullone E. Emotion regulation strategy use in children and adolescents: The explanatory roles of personality and attachment. *Pers Individ Dif*. 2012; 52(5): 616-21. [\[Link\]](#)
  30. Gross JJ. The emerging field of emotion regulation: an integrative review. *Rev Gen Psychol*. 1998; 2(3): pp 271. [\[Link\]](#)